

بقلم : مرحوم میرزا محمد علی چهاردهی

تاریخ مختصر فرقه های اسلامی

۱- داستان فدك چیست !!؟

در کتاب مجمع البحرين ثبت شده فدك ديه‌ای است از ديه‌های يهود، از آنجا تا مدینه دو روز راه است، تاخیر راهی نیست. در کتاب قاموس : فدك از دهات خيبر است، صاحب کتاب مغرب نوشت : فدك از دهات حجاز. یا از ديه‌های خيبر باشد، جنگ در آن سودمند نیست !! چون فدك ازدهات حجاز و اکنون مشهور است.

۲- بنا به نقل فاضل مشهور

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان :

فدك قریه‌ایست در حجاز، از آنجا تا مدینه دو روز راه است. گفته شد سه روز راه باشد، در سال هفتم به رسول خدا صلح شد.

این قریه ونواحی آن بدون جنگ و ستیز باز شد و بتصرف حضرت محمد (ص) درآمد، آیه شریفه *ذا القربى آمد*. محمد (ص) تردید داشت که فدك را بکدام يك از خویشاوندان خود بدهد !!؟

پس از آن تردید، دانست که فدك را باید به یگانه دختر خود بخشد، حضرت صدیقه طاهره را خواست و آن دهات را باو بخشید.

۳- نوشته اند که:

حضرت محمد (ص) فاطمه را خواست و فرمود : فدك را بتو دادم، تا پیامبر زنده بود و کیل دختر رسول خدا با نجا رسیدگی میکرد، چون خلافت بابی بکر رسید فدك را گرفت !!

دخت حضرت رسول (ع) علی و حسن و حسین و ام ایمن را برطبق دعوی خود شاهد برد که پدر فدک را بوی بخشیده بود ابوبکر گواهان را قبول نداشت! در انکار امر پا فشاری مینمود!!

صدیقه کبری چون چنین دید برای مرتبه دوم فدک را بنام میراث پدرخواست!!
در این هنگامه ابوبکر مخالفت نمود و گفت: نحن معاشر الانبیاء لانورث را منسوب به پیامبر ساخت!!

با آنکه آیه‌های قرآن برخلاف این سخن است. فاطمه (ع) ناچار شد و گفت:
ای پسر قحافه آیا تو از پدرت ارث می‌بری و من از پدرم ارث نبرم!!؟
۴- چه خوب فرماید حکیم سنائی غزنوی:

شعر

گویند چه بیغمبر ما رفت ز عالم
میراث خلافت بفلان داد به بهمن
هرگز ملکان ملک به بیگانه ندادند
در دفتر شاهان جهان جمله تو برخوان
با دختر و داماد پسر عم و نیره
میراث به بیگانه دهد هیچ مسلمان

۵- ابن ابی الحدید نقل نمود: از علی بن فاروقی شافعی که: استاد مدرسه عزیه بغداد بود، پرسیدم که آیا فاطمه در دعوی خود راستگو بود یا نه؟!
گفت در درستی او شکی نبود!!

گفتم هر گاه ابوبکر یقین بر استکوئی دختر پیامبر داشت پس چرا فدک را باو پس نداد!؟

آن مدرس خندید و گفت:

ابوبکر ترسید که بمجرد شکایت سخن فاطمه را قبول کند فردای آن روز فاطمه خواهد آمد ابوبکر را از کرسی خلافت براندازد و حضرت علی (ع) را بجای پیغمبر نشاند !!

میرزا مخدوم شریفی در کتاب نواقص روافض، یازدهمین دلیل بر خلافت ابوبکر را چنین آورد :

حقانیت خلیفه گری ابوبکر از سایر خلفا روشن ترین برهان است !!
 چه علی ع در عصر خلافت خود فدك را بفرزندان فاطمه «س.ع» مسترد نداشت!
 با آنکه خود شاهد بود که فدك از آن زهرا شد !
 علی ع نخواست حکم خلیفه نقض گردد !! باطل نکردن حکم خلیفه در نزد او ، برتر از بازگردانیدن فدك به فرزندان دختر پیامبر بود !! با آنکه میدانست فدك ملك بنی فاطمه است !

هر گاه از من پرسید که چرا ابوبکر برارث فاطمه حکم نکرد ؟! گوئیم حکم نکردنش برای خبری بود که بدو گوش خود از حضرت محمد ص شنید ، فرمودند: ما گروه پیامبران ارث نمیبریم ! هر آنچه بگذاریم صدقه است ، اینکه فدك را محمد ص بدختر خود بخشید ثابت نشد ! زیرا گواهان باندازه نصاب نرسیده بودند ، تنها علی ع و ام ایمن گواهان بودند ! نه دیگران ! گواهی يك زن جای شهادت يك مرد را نمی گیرد .

ابوبکر فضل و روحانیت داشت ! شهادتشان را باور نداشت ، ادعای شیعه از روی نادانی است ، خدا فرماید :

«واشهد و زوی عدل منکم»

این آیه مطلق است نه مقید ! چون مدعی فاطمه «س.ع» شاهد هم علی ع بود!

هر گاه عصمت درباره ایشان گفته شود ! هنوز درباره پیامبران ثابت نیست ! ! تا چه رسد باینان ! !

آری فضل و کمال حضرت فاطمه که بهتر زنان بود ، فضل و هنر حضرت علی ع هم که پس از خلفای سه گانه یا بعد از دو خلیفه یا پیش از خلفا ثابت شود تازه لازمه اش عصمت نیست ! حکم به عصمت از اموری است که شیعیان بدان عقیده دارند !

۷- راقم این سطور گوید :

مؤلف کتاب نواقص اعتراف نمود که : حضرت زهرا بهترین زنان ، حضرت علی نیکوترین مردان بود ، هیچگاه دروغی از ایشان نشنیدند ، در زمان محمد ص فدک بنام مالکیت در دست دخترش بود ، چه سببی داشت تا پیامبر ثروت مسلمانان را که همه در آن شریک بودند بدختر خود ارزانی داشت ؟!

با تمام اینها خلیفه حق فاطمه را باور نداشت ! در سرمبهر گفت : علی ع درباره فدک ام طحالی را شاهد آورد ! «ام طحالی زنی بود مشهور بزناکاری» آن زن که تنها شاهد نبود ! دیگران هم گواه بودند !

اقرار فاطمه را باور نکرد ، شاهد و دلیل از دختر پیامبر میخواست ؟! دعوای یگانه دخت محمد ص را رد کرد !

۸- بعضی گفته اند :

چون ابوبکر در بازداشت فدک با فشاری مینمود ، مهاجران و انصار ملامتش کردند ! ابوبکر ناچار شد نوشت که فدک را بتصرف فاطمه دهند !

عمر که از این ماجرا خبردار شد اعتراض نمود که چرا کاری را انجام میدید که حقیقتش را نمیدانید چیست ؟! آنگاه نامه را از ابوبکر گرفت و پاره کرد !

۹- اینکه علی ع در روزگار خلافت خود فدک را بفرزندان دختر پیامبر نداد ، برای این بود که چون قدرت خلفای سه گانه بدر ازا کشید ، هر گاه کسی ترك

اولی با آن نسبت میداد زبان بد گویان باز میشد ، شمشیرها بر اعتراض کننده کشیده می گشت از گفتن بشیمان میشدند !

تا آنجا که علی ع در زمان خلافت خود نتوانست شریح قاضی را از مقام قاضی القضاة کوفه پائین کشد !

۱۰- چگونه می توانست مالی که بتصرف مسلمانان درآمده ودست بدست گشته بود ، باز گیرد و بفرزندان زهرا دهد و بگوید :

ابوبکر و سایر خلفا فدک را غصب کرده بودند ! اینک حق بحق دار رسید . گذشته از اینها علی ع در تمام دوره خلافت خود آسوده نبود تا کاری را بتواند انجام دهد .

خلافتش آن اندازه ها نبود . داستان جنگهای جمل و صفین و نهروان پدید آمد ! ناچار از دیار خود مهاجرت کرد ، در دیار غربت به هنگام نماز در محراب گشته شد .

دوره خلافت علی عصر آشوب و اخلال گیریها بود ! امیرمؤمنان تنها در کوفه خلافت داشت آنهم چه خلافتی؟! بیشتر مردم کوفه پیرو او نبودند !

۱۱- مؤلف نواقص گمان داشت که خلافت علی ع مانند دوره خلفای سه گانه بود ! یا مانند سلطنت عثمانیها بود ! خوب بود نخست اوضاع واحوال محیط هر عصر و هر خلیفه را درست بدقت می نگریست ! آنگاه قلم در دست گرفته و سم پاشی نمینمود تا حقایق تاریخی را وارونه جلوه گر نمی ساخت !

یکی مرغ بر کوه بنشست و خاست	چه بر کوه افزود و ازوی چه کاست
من آن مرغم و این جهان کوه من	چو رفتم جهانرا چه اندوه من
(فردوسی)	